



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

تابه حال در بحث سب مفهوم‌شناسی سب و مفاهیم مرتبط و متناظر با آن طرح شد. در این مقام چند عنوان عام منطبق با سب است و خود سب نیز مستقیماً هم مورد حرمت قرار گرفته. در جمع‌بندی ادله حرمت سب بیان شد که برخی از ادله عام بودند یعنی عناوین عامه‌ای که یا عام مطلق بودند و همه مصادیق سب را شامل می‌شدند مثل اهانت و تحقیر و استخفاف و فحش و قول زور و جهر بالسوء من القول و امثال این‌ها و یا عناوین عامه‌ای که عام من وجه بودند مثل ایذاء. گرچه تمرکز بحث بر سب بود اما بسیاری از عناوین فقهی و عامه و قواعد کلی در رفتارها و گفتارهای انسان با دیگران ضمن این‌ها روشن شد.

شمول ادله به قول و فعل

بعضی از ادله‌ای که به عنوان قواعد عامه به آن‌ها تمسک شد شامل مطلق قول و فعل موهن می‌شود. مثل ظلم و بغی علی‌الناس یا اهانت، تحقیر، استخفاف یا طعن و امثال این‌ها. برخی از ادله عناوین قولیه هستند. عناوینی که مختص به اقوال‌اند. مثل عنوان جهر بالسوء من القول، قول زور، فحش بذاء و امثال این‌ها.

فروع باب سب

فرع اول؛ مبنای اصلی محرمات در روابط گفتاری

پس ملاک و مبنای اصلی و عام در تحریم گفتارهای ظالمانه به غیر در روابط اجتماعی، گفتاری است که در آن نوعی ظلم و بغی به دیگری باشد.

اهانت

یعنی کلامی که عرفاً توهین به غیر و تحقیر دیگری به شمار آید ولو شخص اندوهگین نشود. اهانت به عناوین مختلف در روایات وارد شده. این عنوان همان طور که معلوم شد عنوانی اعم از قول و فعل است. ملاک اهانت عرف و نوع است نه اشخاص. - البته اهانت درجات خفیف‌های دارد که شاید مشمول ادله نشود که بعداً به آن خواهیم پرداخت. -

ایذاء

آزار رساندن - عنوان گفتار و رفتار موذی و آزاردهنده که حرام است. «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (احزاب/۵۷) - «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (احزاب/۵۸) روایات این باب نیز قبلاً بیان شد.

تفاوت این دو عنوان

پس هر گفتار و رفتار موهن و موذی حرام است لکن بین عنوان موهن و موذی فرق بسیار مهم وجود دارد و آن اینکه عنوان موهن یعنی ما یُعذُّ توهیناً عند العرف ولو شخص آن را اهانت نداند یا ناراحت نشود ولی عنوان ایذاء عنوانی شخصی است یعنی چیزی که او را آزار بدهد ولو عرف آن را آزاردهنده به شمار نیاورند.

خلاصه کلام

این دو عنوان بسیار مهم است که مبنای اصلی محرمات در روابط گفتاری انسان با دیگران است و به نحوی آسیب به دیگران و ظلم به آنهاست. چرا که این دو عنوان مطابق ملاک و قاعده اصلی یعنی ظلم به غیر است که در اقوال ظالمانه نسبت به دیگران بروز و ظهور کرده است. این دو عنوان با وجود تفاوت هر دو مبنای عقلانی و عقلی دارد و نسبت به هم عموم و خصوص من وجه هستند و در صورتی که جمع شوند دو حرمت خواهند بود که تحت عنوان عام ظلم قرار می‌گیرند.

کذب

عنوان دیگر در روابط انسان با دیگران که از عناوین عامه است. کذب یعنی افتراء بر دیگری بستن. راجع به دیگری نسبت دروغ دادن. این عنوان با دو عنوان دیگر رابطه‌ای من وجه دارد؛ یعنی ممکن است کسی به دیگری افترا ببندد و دروغی به او نسبت بدهد که نه توهین است و نه آزار. مثلاً بگوید او معاذ الله امام است و کرامت دارد درحالی که واقعاً این طور نیست. این را کسی اهانت محسوب نمی‌کند و حتی خود شخص هم ممکن است ناراحت نشود که چنین نسبت دروغی به او داده‌اند ولی

در عین حال حرام است گرچه در حقیقت ظلم به اشخاص نیست؛ بنابراین کذب اهانت و ایذاء نیست ولی به هر حال عنوان محرم دیگری است که ظلم نسبت به شخص و حقوق عمومی و خود کاذب و خدا و امثال ذالک است. کذب بسیاری از اوقات جنبه شخصی ندارد آنچه جنبه شخصی و حق اشخاص است اهانت و ایذاء است.

جمع بندی

- از این سه قاعده عامه، دو مورد (اهانت و ایذاء) در بحث ظلم به غیر بررسی شد اما کذب بر اشخاص دیگر از باب حرمت کلی کذب است که یک مصداق آن همین مطلب است و لذا در ظلم به دیگری و روابط بین انسانها برجسته نشد. به هر حال ریشه همه محرمات در ارتباط با دیگران به یکی از این سرشاخه‌های اصلی یعنی اهانت، ایذاء و کذب بازمی‌گردد. - باید برای این قواعد عمومی در افعال و رفتار در فقه روابط میان افراد باب مستقلی قرار داد. گرچه هم‌اکنون مباحث فقه روابط فردی در ابواب فقهی پراکنده است لکن از شاخص‌های اولیه و مبانی فقه روابط میان فردی همین سه ملاک کلی است.

تقسیمات اهانت

اهانت تقسیماتی دارد از جمله قولی و فعلی یا حضوری و غیابی و انواع و اقسامی که برخی از این اقسام به طور خاص مورد تحریم قرار گرفته‌اند و آن تحریمی مؤکد است. مثل سب که نوعی اهانت به غیر است و حرمتی عامه دارد لکن اگر هیچ دلیل خاصی هم نداشتیم دو قاعده عامه یا یکی از آنها شامل سب می‌شد اما سب به جهتی برای تأکدش دلیل خاص وجود دارد یعنی شارع عنایت ویژه‌ای دارد و مؤکداً آن را تحریم یا منع می‌کند. غیبت و هجاء نیز این چنین است که بعداً به آن خواهیم پرداخت. گرچه در مکاسب محرمه همه این موارد بحث نشده ولی طبعاً اگر باب فقهی منظمی از آن شکل بگیرد، همه در یک سیستم و نظام کلی قرار می‌گیرد.

فرع دوم؛ عناوین ویژه باب سب

- مطلق سب با ترتیب و ادله گوناگونی که برشمردیم حرام است اما بعضی از موارد خاص آن در این باب حرمت مؤکده دارد. این نوع سب و دشنام علاوه بر دلیل مطلق یا «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ»^۱ بر حرمت و ادله‌ای که در آن باب بررسی شد به جهت خاصه‌ای حرمت مضاعف دارد یا احکام وضعی یا تکلیفی ویژه و مضاعفی برای آنها قرار گرفته. مثل سب الله یا سب النبی یا سب الائمه که در کتاب حدود باب خاصی به آنها پرداخته است و آنها را مستحق حد یا تعزیر دانسته. چرا که مطلق

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۹۷.

سب جزء معاصی است و حتی اگر معاصی کبیره هم به شمار بیاید تعزیر دارد البته بنا بر اختلافی که در تعزیر است؛ اما در مورد سب النبی و الائمه علاوه بر حرمت مطلق دارد، حرمت خاصه دیگری هم دارد که سبب حدی است. مصداق دیگر از این نوع سب خاص قذف است به معنای نسبت دادن به همه، منتهی نسبت خاص زنا است؛ که حرمت مؤکد دارد و در آیات نیز آمده و حد دارد. ممکن است عناوین ویژه دیگری نیز مثل سب عالم و غیره باشد که حرمت مضاعفی پیدا بکند. گاهی ممکن است سب در حالتی با عناوین ثانویه و کلی حکم مضاعفی پیدا کند. مثلاً رسان‌هایی که به جهت تضعیف نظام اسلامی و ضربه زدن به عزت آن راه‌اندازی می‌شود سب می‌کنند. چنین سبی مصداقی برای این عنوان است و طبعاً عقابی مضاعف دارد. ممکن است در شرایطی عناوین ثانویه مجوزه بعد از بحث کافر بررسی خواهند شد.

فرع سوم؛ سب شخص با وصف عنوانی موهن

آیا سب شامل نسبت‌های ناروا به دیگران و توصیف اشخاص به چنین اوصافی (اوصاف مذمومه تحقیرآمیزی) نیز می‌شود؟

انواع توصیفات

این اوصاف واقعاً در موصوف موجود باشد مثل اینکه ویژگی‌های حماقت در کسی باشد و به او احمق بگوید یا آن نسبت در وی موجود نباشد ولی علاقه‌هایی وجود دارد که مجازاً می‌شود چنین صفتی را بر او تطبیق داد پس به نحو اطلاق مجاز صحت دارد و عنوان مجازی است مثل اینکه به شخصی بگویید کلب حال آنکه واقعاً کلب نیست ولی ویژگی‌های کلب را دارد و این نسبت چندان بی‌ربط و غلط نیست. گاهی این‌طور نیست. نه وصف واقعی در او است و نه وصفی است که مجازاً صحت استعمال داشته باشد و هیچ وجهی ندارد که چنین نسبتی بر او اطلاق شود و امر کاملاً غلطی است.

سؤال این است که سب مخصوص کدام‌یک از این موارد است؟

مختار استاد

ظاهر سب و سایر عناوین عامه‌ای که پشتوانه عنوان سب بود هر سه نوع را شامل می‌شوند.

جهت شمول عنوان سب

از حیث عنوان خاص

با توجه به آنچه در مفهوم شناسی عرفی سب بیان شد؛ سب، وصف شخص بما هو اضرار و نقص فيه است و هیچ قیدی ندارد که نقصی در او باشد یا نباشد. لذا اینکه نسبت نقص به شخصی دهی و یا اهانتی با این شکل انجام دهی عرفاً سب است چه نقص در آن باشد چه نباشد، خواه به نحو مجاز صحت اطلاق داشته باشد یا نداشته باشد. ارتکاز ما نیز چنین است که ظاهر سب هر سه نوع را شامل می‌شود.

از حیث عناوین عامه

در هیچ‌یک از عناوین عامه از جمله طعن، فحش، بذاء، اهانت و توهین، قول زور و جهر بالسوء من القول و ما الی ذالک از قبیل این عناوین قید نشده که شرط حرمت صادق یا کاذب بودن اهانت است چه به نحو الحقیقه چه به نحو المجاز. فلذا سب از حیث عناوین عامه نیز هر سه نوع را شامل می‌شود.

تذکر: در قسم سوم که عنوانی را اطلاق می‌کند که نه به نحو حقیقت و نه به نحو مجاز صادق نیست علاوه بر سب و اهانت عنوان اضافه به نام کذب را هم دارد.

گاهی توصیف شخص به صفتی مذموم به نحو انشائی است که همیشه مستلزم خبر است مانند نام گذاردن روی افراد. اهانت بودن چنین انشائاتی به خاطر همین استلزام اخبار است و بدون این دلالت التزامی مذمومیتی ندارد. چرا که انشاءات حقیقتاً قبیح نیستند. هرگاه خبر ملازم چنین انشائی نه به نحو حقیقت و نه به نحو مجاز صادق نباشد علاوه بر عنوان سب و استخفاف و اهانت شامل عنوان اضافه کذب و افتراء نیز هست و معصیتی افزون دارد. ظاهراً شمول عنوان سب چنین موردی را نیز شامل می‌شود.

فرع چهارم؛ اهانت به شخص در حال حضور یا غیاب

گاهی توصیف شخص به اوصاف مذموم یا سب و دشنام شخص در حضور او است و گاهی در غیاب او. حال سؤالی مطرح می‌شود که آیا این سب اختصاص به حالت حضور و خطاب دارد یا حالت غیاب را نیز شامل می‌شود؟

در لغت سب هیچ قیدی نیست و اطلاق دارد و به نظر می‌رسد هر دو حالت را شامل شود. اطلاق سایر عناوین عامه نیز دال بر این شمول است. لذا در مفهوم هیچ‌یک از دو ادله خاص و عام این قید نیست و انصرافی هم به این مسئله ندارد. در غیاب گاهی سب به شکل خبری است گاهی به شکل انشاء است لکن مدلول الزامی خبری دارد از این حیث می‌تواند مصداق عنوان غیبت باشد پس به آن دو عنوان صادق است یعنی سب و غیبت. اصولاً در همه تقسیمات عرف قائل به مراتبی است مثلاً به شخصی نسبتی بدهد که نه حقیقتاً در او هست نه مجازاً پس صحت صدق ندارد فلذا این مورد برجسته‌تر است و مصداق عنوان



کذب هم می‌شود. در بحث مذکور نیز همین‌طور است که توهین در غیاب از یک جهت برجسته‌تر است و لذا مصداق غیبت می‌شود.

فرع پنجم؛ وقوف و آگاهی شخص مسبب

گاهی سب با علم مسبب به سب این شخص همراه است و گاهی با جهل او حتی جهل الی‌الابد. حال سؤالی مطرح است که آیا سب اختصاص به ما إذا عَلِمَ الْمَسْبُوبُ بِالسَّبِّ أَوْ هُوَ مُطْلَقٌ وَيُعْمُّ حَتَّى إِذَا كَانَ الْمَسْبُوبُ جَاهِلًا بِالسَّبِّ؟ مفهوم سب و اطلاق ادله ظهور در شمول آن در هر دو حالت را دارد. گرچه در ابتدا ممکن است به ذهن متبادر شود که علم و آگاهی شخص شرط است ولی با تنظیم عناوین و ادله سب پی به اطلاق آن می‌بریم. مؤید این مطلب ادله‌ای است که بیان می‌کند آبروی مؤمن متعلق به خودش نیست یعنی علم او اهمیتی ندارد و آنچه موضوعیت دارد آبروی او است. لذا به نظر می‌آید ادله اطلاق دارد و شامل مواردی که شخص نداند و مطلع نشود نیز می‌شود. البته در صورت اطلاع فرد عنوان مضاعفی خواهد داشت چرا که اذیت شده و علاوه بر عنوان سب عنوان ایذاء هم دارد. — در صورت عدم اطلاع و در غیاب او از این جهت که غیبت است و امکان دفاع ندارد حرمتی مؤکد دارد. غیبت بیشتر حالت اخباری دارد به خلاف سب که انشائی دارد. بین این دو تفاوت‌هایی است که در بحث غیبت بررسی خواهد شد.

فرع ششم

آیا سب عنوانی قصدی است یا نه؟

در بعضی تعابیر سب را عنوانی قصدی دانسته ولی ظاهراً عنوان قصدی نیست. کلام، توصیف شخص و اسناد وصفی که عند العرف اهانت به حساب می‌آید نیاز به قصد ندارد چرا که اگر فردی در خواب به دیگری دشنامی دهد یا در حال مستی به دیگری توهین کند عرف می‌گوید به او توهین شد؛ بنابراین سب عنوان قصدی نیست که صدق این متقوم به قصد گوینده و متکلم باشد. البته همیشه تنجز عقاب و فعلیت حکم متوقف بر علم به موضوع و حکم است لذا اگر آدمی جاهل یا غافل است و توجه ندارد می‌گوید اهانت شد ولی چون شخص نمی‌دانست عقاب نمی‌شود. البته قبول داریم اینکه اگر شخص عالم نباشد حکم فعلی نمی‌شود ولی متقوم به قصد نیست.

معنای قصد در عناوین

معنای عناوین متقوم به قصد این است که اگر قصد نباشد صدق نمی‌کند؛ یعنی اگر کسی در خواب بگوید بعثک هذا الكتاب و فهمی نسبت به این جمله ندارد بیعی منعقد نمی‌شود. بیع باید با قصد باشد برای اینکه قوام بیع به قصد است. یا اگر شخص در خواب بگوید زوجتک موکلی تزویجی محقق نمی‌شود چون قصد ندارد. ولی اگر کسی در خواب یا حالت لا یعقلی به دیگری فحش بدهد می‌گوید اهانت به او شد منتهی چون توجه ندارد عقاب نمی‌شود. لذا گر چه بعضی فرموده‌اند و ظاهر کلام این است که عنوان سب عنوان قصدی است و اگر قصد نباشد صدق سب نمی‌کند ولی بعید نیست که بگوییم عنوان سب صدق می‌کند اما حکمی موجود نیست چرا که حکم نیاز به علم و آگاهی دارد.

- جناب آقای مکارم گاهی این طور می‌گویند که در این نوع عناوین همین که علم بود قصد قهری موجود است یعنی کسی که توجه به موضوع دارد قهراً قصد هم می‌کند.

- گاهی سب کردن موجب این است که کسی خودش را تحقیر کند که حرام است چرا که اضلال النفس جایز نیست.

ثمره بحث

ثمره در صورتی است که شخص در کلامی که استعمال می‌کند واقعاً قصد توهین ندارد ولی چون اهانت در مفهوم سب مأخوذ است و او می‌داند که عرف آن را اهانت تلقی می‌کند بنا بر عنوان قصدی بودن اشکال ندارد ولی وقتی عنوان قصدی نباشد اشکال دارد. چرا شخص موهن واقعاً به آن شخص علاقه دارد ولی از جهتی فکر می‌کند فرد مستحق آن است و می‌خواهد بیان حقی کند و قصد اهانت ندارد ولی عرف آن را اهانت تلقی می‌کند و محل اشکال است ولو اینکه قصد اهانت نداشته باشد البته باید علم داشته باشد که عرف آن را اهانت تلقی می‌کند.

جمع بندی

وقتی سب را عنوان قصدی دانستیم دو ثمره خواهد داشت:

۱. اگر عرف آن را اهانت می‌داند ولی او قصد اهانت نکرده لکن می‌داند که عرف آن را اهانت می‌داند حرام است بنا بر نظری که می‌گوید عنوان قصدی نیست ولی اگر کسی سب را عنوان قصدی بداند حرام نیست
۲. اگر او قصد اهانت کرده ولی عرف آن را اهانت نمی‌داند بنا بر اینکه عنوان قصدی نباشد اشکالی ندارد چرا که تنها قصد کرده و قصد اشکالی ندارد. کسی قصد اهانت داشته ولی تلقی به اهانت نمی‌کند برعکس عرف تلقی به اهانت می‌کند



اگر این تلقی عرف را می‌داند سبب است حال اگر نداند بازهم سبب است ولی حکم ندارد چرا که رفع عن امتی ما لا يعلمون لذا وقتی علم ندارد که سبب است حکمش برداشته شده است.